

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۹ نومبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

معنای برخی کلمات در (لغتنامه ملاحسن آخند)

(۱) معنای کلمه بغاری

کلمه بغاری را اولین بار شنیده‌ام. از سخنان ملاحسن آخند بر می‌آید که بغاری فریاد معنا می‌دهد. اگر کسی از دوستان پشتودان ما کمی درمورد این کلمه توضیح دهد خوشحال می‌شوم. مورد استفاده بغاری کجاست؟ آیا این کلمه کتابی و پرکاربرد در تمام مناطق پشتوزبان است یا مربوط به لهجه منطقه خاص و غیررسمی است؟ آیا بغاری کلمه دهاتی و چوپانی است یا جنبه صنفی، طبقاتی و زمانی ندارد؟

(۲) معنای کلمه گذاره

من با پشتوی کابل و ننگرهار بلام. مقاله و کتاب پشتو زیاد خوانده‌ام. همین ماه پیش یک جلد کتاب پشتو به قلم یک نفر طالب را خواندم و هیچ نیازی به مراجعه به فرهنگ نشد. تا پیش از شنیدن سخنان ملاحسن آخند فکر می‌کردم در شنیدن و فهمیدن پشتو خوبم. ولی ملاحسن مرا بیدار کرد که نیابا زبان پشتو بسیار پیچ و خم دارد. فکر می‌کنم تازگی کلمات ملاحسن برای کسانی چون من دو دلیل دارد. یکی این‌که ما با پشتوی قندهار زیاد سروکار نداشته‌ایم. دیگر این‌که با پشتوی روستائی و ملائی زیاد بلد نبوده‌ایم. کاربرد کلمه گذاره در سخنرانی ملاحسن برایم تازه بود. او گفت: "په دغه ارگ چی مونږ گزار کوو". باز گفت: "په دغه خای چی مجاهدین گزاره کوی". باز یک جای دیگر گفت: "سابقی خلکو چی دلی گزاره کول، هیچ چا ته تکلیف ندی رسیدلی".

درک من از گذاره این بود که وقتی کسی می‌گوید گذاره می‌کنیم یعنی یک رقم شب‌وروز را تیر می‌کنیم و در آن نوعی شکایت از روزگار است. اما ملاحسن گذاره را معادل زندگی کردن، رهایش و بهسر بردن استفاده کرده است. آیا در پشتوی کتابی و رسمی گذاره چنین کاربردی دارد یا نه این کلمه خاص مدرسه‌ای‌ها و طالبان بی‌بضاعت می‌باشد.

۳) معنای کلمه نر

در پشتویی که ما با آن آشنا هستیم برای مردان و زنان مثل فارسی و انگلیسی چندین نام و صفت رسمی دارد. مثلاً مرد را در نوشته‌ها و سخنرانی‌های رسمی (سری) و زن را (بنخه) می‌گوئیم. کمی رسمی‌تر وقتی صحبت می‌کنیم مثل فارسی که آقایان و خانم‌ها می‌گوئیم در پشتو نیز به شکل جمع (سری و بنخه) استفاده می‌کنیم و یا (میرمنی و نارینه) می‌گوئیم. برای خطاب محترمانه مردان و زنان از (بناغلی و مبرمن-آغلی) استفاده می‌کنیم.

در زبان رسمی پشتو نشینده و ندیده‌ام که برای مرد کلمه "نر" را به کار ببرند. اما به برکت سخنرانی ملاحسن متوجه شدم که زن و مرد را بسیار ساده (بنخه او نر) نیز می‌توان گفت. ضمناً درین ادبیات نر معنای دومی نیز دارد مثل مرد فارسی که باشهامت، دلیر و قوی معنا می‌دهد.

ملاحسن آخذ گفت "پر مسلمان که بنخه وی که نر وی تالیم پرض دی." اینجا نر به معنای مرد است. در جای دیگر گفت "هیخ خوک دونه نر نشته چی یو بنخی ته په بدنظر وگوری." درینجا نر به معنای باشهامت و قوی است. البته این که بدنگاه کردن به زن چرا کار آدم با شهامت و قوی باشد خود در عصر ما مسأله دارد.

کلمه نر در افغانستان این ظرافت را دارد که فارسی‌زبانان از آن معنای متفاوت می‌گیرند. در فارسی ما برای جنس مذکر انسان نر استفاده نمی‌کنیم و فقط برای حیوانات نر به کار می‌بریم. البته در فارسی هم هنگام طعنه و دعوت به دعوا از کله نر استفاده می‌کنند و مثلاً می‌گویند اگر نر هستی نزدیک بیا.

ضمناً کلمه نر در فارسی بسیار لچ به نظر می‌رسد و بیشتر به تفاوت آلت تناسلی انسان‌ها اشاره دارد تا تفاوت عمومی جنسیت شان. ازینرو در زبان رسمی و ادبی تلاش صورت گرفته است که مردان و زنان بدون اشاره مستقیم یا غیرمستقیم به آلت تناسلی شان تفکیک شوند. حدس می‌زنم در پشتو هم چنین باشد، چون همان‌طوری که در اول گفتیم کلمات غیرجنسی و ظریفی برای تفکیک زنان و مردان درین زبان نیز رایج است. در فارسی نرینه نام مستعار آلت تناسلی جنس نر نیز است. ازینرو نر گفتن در مجلس و جلسه های رسمی ناراحت کننده است.

حال از دوستان پشتودان می‌خواهم بپرسم که کلمه نر در ادبیات پشتو چه جایگاهی دارد؟ آیا اصطلاحات سری و نارینه و بناغلی کلمات شهری و نوساخته اند یا خیر در گذشته نیز استفاده می‌شده‌اند؟ دیگر این که چگونگی استفاده از کلمه نر از موقعیت اجتماعی، صنفی و طبقاتی گوینده نیز چیزی می‌گوید یا خیر؟ مثلاً این جملات ملاحسن نشان نمی‌دهد که او یک آدم دهاتی و ناآشنا با زبان مدنی و رسمی است؟